

تئاتر ایران در گذر زمان - ۱۰

تماشاخانه‌ی تهران

به روایت داریوش اسدزاده

غلامحسین دولت‌آبادی / اعظم کیان افراز

www.ketab.ir



۱۳۹۴

سرشناسه:	دولت آبادی، غلامحسین، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور:	تماشاخانه‌ی تهران به روایت داریوش اسدزاده/ غلامحسین دولت آبادی، اعظم کیان افراز.
مشخصات نشر:	تهران: افراز، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری:	۲۸۰: مصور، عکس، نمونه.
فروست:	تأثر ایران در گذر زمان؛ ۱۰.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۳-۱۲۸-۱
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	اسدزاده، داریوش، ۱۳۰۲ -
موضوع:	بازیگران -- ایران -- مصاحبه ها
موضوع:	بازیگران -- ایران -- سرگذشتنامه
موضوع:	تماشاخانه ها -- ایران -- تهران
شناسه افزوده:	کیان افراز، اعظم، ۱۳۵۲ -
رده بندی کنگره:	۷۹۲/۰۹۸۰۹۲
ردمبندی دیویی:	۳۶۲۳۲۱۵
شماره ی کتاب شناسی ملی:	



انتشارات افراز

ناشر برگزیده‌ی تئاتر و ادبیات نمایشی

دفتر مرکزی و فروش: خیابان فلسطین جنوبی، خیابان وحید نظری، پست افشار، پلاک ۱، واحد ۵

تلفن: ۶۶۴۰۱۵۸۵

مرکز بخش: ۶۶۹۷۷۱۶۶

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com

تئاتر ایران در گذر زمان - ۱۰

تماشاخانه‌ی تهران

به‌روایت داریوش اسدزاده

غلامحسین دولت‌آبادی، اعظم کیان‌افراز

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۲

نمونه‌خوان: کیانا شینخان

آرایش صفحات: یاسمین حسداری

طراحی جلد: یاسمین محمدی / آتلیه افراز

لیتوگرافی / چاپ / صحافی: ترنج / تصویر / بکتار

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۲۷۷۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی

از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	سرآغاز
۱۳۷	نمایشنامه‌ها
۱۳۹	ازدواج فوری
۱۶۷	نوکر زرنگ
۲۱۷	اسناد و مدارک
۲۷۵	نمایه

مقدمه

با تلاش و ابتکار سیدعلی نصر در زمستان ۱۳۱۷ کمیسیون نمایش در کنار سایر کمیسیون‌های سازمان تازه‌تأسیس پرورش افکار موجودیت یافت و به این ترتیب برای نخستین بار هنر تئاتر از جانب دولتمردان در ایران به رسمیت شناخته شد. این نخستین گام نصر برای ورود تئاتر به بدنه‌ی دولت بود. تئاتر در سال‌های آغازین و مهانی حکومت پهلوی اول و پیش از آن به صورت جسته و گریخته و نامنظم اجرا می‌شد. این هنر که در آغاز به عنوان یکی از مظاهر تمدن غرب به ایران عصر ناصری راه پیدا کرده بود به علل مختلفی از جمله مهیا نبودن شرایط فکری ایرانیان برای درک و دریافت این هنر، مخالفت قشربون و متعصبان و البته فراهم نبودن شرایط سخت‌افزاری (محل اجرا) و نرم‌افزاری (متن نمایشی، بازیگر و سایر عوامل) نتوانست ریشه‌ای در جامعه‌ی ایرانیان بدواند. ورود سینما و فیلم‌های دوبله‌ی خارجی به ایران در دوره‌ی پهلوی اول شرایط را برای رشد و گسترش تئاتر دشوارتر کرد. در این میان فقط برخی از روشنفکران و تحصیل کرده‌ها بودند که عمدتاً به علت نزدیکی به فرهنگ غرب، به تئاتر توجه نشان می‌دادند؛ اجراهای اندک، محدود و با اهداف تربیتی و اخلاقی و به مقصود تنویر افکار عمومی بخش عمده‌ی فعالیت‌های تئاتری را در برمی‌گرفت. در این دوره اجراهای تئاتر عمدتاً متکی به خواست شخصی و حمیت‌های فردی اشخاص علاقه‌مند بود. در تهران «سالن سیرک» و «سالن نکویی» و برخی از دبیرستان‌ها شاهد اجراهای معدود و محدود با مناسبت یا بی‌مناسبت بودند. مهم‌ترین این کوشش‌ها تأسیس «کمدی ایران» و «جامعه‌ی یارید» در سال ۱۳۰۵ و استودیو درام کرمانشاهی در سال ۱۳۰۸ و البته ظهور درام‌نویسانی چون حسن مقدم و رضا کمال شهرزاد بود.

در سال ۱۳۱۵ ساخت سالن موسوم به «اپرا» در خیابان علاءالدوله آغاز و مدتی بعد نیمه‌کاره رها شد. این سالن که بعد از سفر رضاشاه به ترکیه و با الگوبرداری از سالن اپرای آن کشور در دستور ساخت قرار گرفت، علی‌دریاییگی تحصیل‌کرده تئاتر و سینما در آلمان قرار بود مسئولیت هنری این سالن را بر عهده بگیرد. اما ساخت این سالن هیچ‌گاه به اتمام نرسید و به بهانه‌ی سست بودن پی ساختمان از ادامه‌ی کار جلوگیری به عمل آمد و دریاییگی را که امید زیادی به کار و فعالیت در این سالن داشت ناکام کرد.

در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ با هرچه بسته‌تر شدن فضای سیاسی کشور، همین تئاتر کم‌توش و توان نیز رو به تعطیلی رفت. اما با تشکیل سازمان پرورش افکار و تشکیل کمیسیون نمایش، نصر گام دوم را برداشت؛ تأسیس هنرستان هنرپیشگی. این هنرستان در سال ۱۳۱۸ با وجود کمبود استادان طراز اول و با همان بضاعت اندک و نه‌چندان درخشان علمی افتتاح شد و با جذب هنرجو و دعوت از بازیگران با سابقه‌ی تئاتر، فعالیت خود را در ذیل کمیسیون نمایش سازمان پرورش افکار آغاز کرد. این اقدام بی‌نظیر و قابل ستایش نصر، تئاتر را که هنوز جایگاهی در جامعه نداشت وارد حوزه‌ی آکادمیک و البته دولتی کرد. اما نقشه‌های نصر برای همه‌گیر کردن، رسمیت بخشیدن و توسعه‌ی تئاتر در تهران و البته در ایران به همین جا ختم نشد. گام سوم و شاید بتوان گفت مهم‌ترین خدمت نصر به تئاتر ایران تأسیس تماشاخانه‌ی تهران نخستین تماشاخانه‌ی دائمی ایران بود. در واقع ایده‌ی اصلی نصر این بود که با تأسیس هنرستان هنرپیشگی بتواند هنرمندانی برای تماشاخانه‌ی تهران تربیت کند تا این تئاتر، مستقل و خودکفا به کار خود ادامه دهد و هنر تئاتر را رسمیت بخشد. در سال‌های آغازین کار این تماشاخانه، نصر خود ریاست این تماشاخانه و احمد دهقان مدیریت داخلی آن را به عهده داشت. نصر که خود مرد سیاست بود و بسیار درگیر امور اداری و دولتی، بعد از قبول پست سفیر ایران در چین، مدیریت تماشاخانه را به احمد دهقان واگذار کرد. دوره‌ی مدیریت دهقان، دوران اوج و شکوفایی تماشاخانه‌ی تهران بود و در این زمان بود که برای نخستین بار با بازیگران تئاتر قرارداد رسمی حرفه‌ای و محضری یک ساله و شش ماهه بسته شد و به موجب قرارداد بازیگر متعهد می‌شد که فقط در این تئاتر کار کند و حق همکاری با سایر گروه‌ها را نداشت. در تماشاخانه‌ی تهران عمدتاً نمایش‌های اخلاقی، تربیتی، تاریخی، آهنگین (اپرت) اجرا می‌شد. از جمله هنرمندان نامی این تئاتر می‌توان به رفیع حائلی، معزالدیوان فکری، هوشنگ سارنگ، صادق بهرامی، نصرت‌الله

محتشم، غلامحسین نقشینه، علی اصغر گرمسیری، دکتر احمد نامدار اشاره کرد. ترور نابهنگام دهقان در ششم خرداد ۱۳۲۹ پایان دوران درخشان تماشاخانه‌ی تهران بود و بعد از آن مهم‌ترین هنرمندان این تئاتر، آن را ترک کردند. بعد از مرگ دهقان، مهندس والا برای مدت کوتاهی و سپس دکتر والا مدیریت تماشاخانه‌ی تهران را برعهده گرفتند ولی با تغییر فضای سیاسی و فکری جامعه و البته خالی شدن این تئاتر از هنرمندان قدیمی خود کم‌کم دوران افول این تماشاخانه آغاز شد و در اواخر دهه‌ی سی رسماً آغازگر دوره‌ی موسوم به آتراکسیون شد که لطمه‌ی جدی به حیثیت این تماشاخانه و اعتبار تئاتر وارد آورد. در این دوران دیگر از تئاتر و اهداف والای نصر خبری نبود و هر چه که به هدف کسب درآمد و روی پا ایستادن تماشاخانه بود؛ رقص، آواز، شعبده بازی و آکروبات، جای تئاتر را گرفت و پول کمی هم عاید تماشاخانه و مسئولانش نکرد. این تماشاخانه با مرگ نصر در سال ۱۳۴۰ به تئاتر نصر تغییر نام و تا سال ۱۳۵۷ به فعالیت خود ادامه داد.

اما این کتاب؛

این کتاب فشرده و ماحصل گفت‌وگوی بیش از صد ساعت غلامحسین دولت‌آبادی و اعظم کیان‌افراز با استاد داریوش اسدزاده است که خود سال‌های سال به‌عنوان بازیگر، کارگردان، و مدیر داخلی در تماشاخانه‌ی تهران فعالیت داشته و موسسید کرده است. استاد اسدزاده در این کتاب می‌کوشد از پس پرسش‌هایی که از او می‌شود و پاسخ‌هایی که می‌دهند، تصویر دقیقی از فعالیت‌های تماشاخانه‌ی تهران و افت‌وخیزهای آن ترسیم کند. در به‌ثمر رسیدن این کتاب، از آقای سیدمهدی مدیر واقعی که همراه همیشگی ما بود و نیز خانم‌ها کیانا شیخان و آرزو منتظری دانشجویان مستعد رشته‌ی تئاتر و نیز از سرکار خانم یاسمین حشدری و آقای جواد صابر که صفحه‌آرایی و آماده‌سازی این کتاب را برعهده داشتند و همچنین از خانم طاهره‌خاتون میرزایی همسر استاد داریوش اسدزاده که در آماده‌سازی این کتاب، صبورانه حضور گاه و بی‌گاه ما را تاب آوردند، کمال تشکر را داریم.